

1-Review

Context

یسری مهمون دارم، می شه یه میز سه نفره رزرو کنی؟

I have got some guests, could you reserve a table for 3?

داشتم توو خیابون راه می رفتم، سیگار می کشیدم یهو یی پدرم من رو دید.

I was walking along the street, smoking cigarette when suddenly my father saw me.

کجا دیشب نشسته بودی؟ دیشب ندیدمت.

Where were you sitting last night? I didn't see you last night.

کی نامه ها رو از طرف رییس هییات مدیره امضا کرد؟

Who signed the letters on behalf of the chairman?

ده بار بهش زنگ زدم، تلفن رو بر نداشت.

I called him 10 times; he didn't pick up the phone.

داری باهام شوخی می کنی، امشب میری خونه. من دیشب بخاطر تو برگشتم.

You are pulling my leg; you are going home tonight. I came back for your sake last night.

چند وقت پیش میز رزرو کردی؟ اسمت رو توو لیستم ندارم.

How long ago did you reserve the table? I haven't got your name in my list.

مطمئنم، یه میز برای سه نفر دیشب رزرو کردم.

I am sure; I reserved a table for 3 last night.

کنار ساحل دراز کشیده بودم، حمام آفتاب می گرفتم که یهو خانمم زد توو سرم.

I was lying on the beach, having sun bath when suddenly my wife hit me on the head.

تا اونجاییکه یادم می آد، توو اتاق نشسته بودم، تلویزیون تماشا می کردم که یهو صدای یکی رو شنیدم.

As far as I remember, I was sitting in my room, watching T.V when suddenly I heard someone.

چطوری نامه ها رو دیشب تایپ کردی؟ این کار حضرت فیه.

How did you type the letters last night? It is a herculean's task.

دیشب تا دیر وقت اینجا موندم و اضافه کاری کردم و نامه ها رو تموم کردم.

I stayed here late last night and worked overtime and finished the letters.

کی شما رو بدون اجازه من دعوت کرد؟

Who invited you without my permission?

شما کی رو دیشب دعوت کردی؟

Who did you invite last night?

این دفعه بخاطر پدرت می بخشمت.

I am forgiving you for your father's sake this time.

دیشب بهم زنگ زد.

He called me last night.

چه ساعتی رسیدی اینجا؟ دیروز ندیدمت.

What time did you arrive here? I didn't see you yesterday.

کی کلاس رو ضبط کرد؟

Who recorded my class?

کلاست رو ضبط نکردم، من بیشتر سی دی شمارو می خرم.

I didn't record your class, I often buy your CDs.

کسی بهم زنگ زد؟

Did anybody call me?

کی بهم زنگ زد وقتی بیرون بودم؟

Who called me when I was out?

داشتم توو خیابون راه می رفتم، به ویتترین مغازه ها نگاه می کردم که یهویی ی نفر زد رو شانه ام.

I was walking along street, looking at shop windows when suddenly someone tapped me on the shoulder.

شروع کنیم؟ شروع کنیم. سؤالی داری؟ سؤالی ندارم. شروع کنیم.

Shall we start? Let's start, have you got any questions? I haven't got any questions, let's start.

Vocabulary

از طرفه

On behalf of

برداشتن تلفن

Pick up the phone

گذاشتن تلفن

Cut off the phone

حمام آفتاب گرفتن

Have sun bath

اجازه

Permission

بسیار نیرومند

Herculean

2-The door was locked

Context

کی به تو حمله کرد؟

Who attacked you?

به کی حمله کردی؟

Who did you attack last night?

پیترو به جانت حمله کرد.

~~Peter attacked Janet.~~

به جانت حمله شد.

Janet was attacked.

یکی دیگر از روش های تدریس مجهول در آموزشگاه ها این روش فرمولی است که در کتاب گرامر این یوز هم داشتیم

ارزوی خیلیا استفاده از مجهول در صحبت کردن است

تدریس مجهول در آموزشگاه ها فقط به درد حل کردن تمرین ورک بوک میخوره

ایا ما موقع صحبت کردن اصلا این مجال را پیدا میکنیم که ببینیم جمله فاعل نداره پس مجهوله؟ بعد ببریم بذاریمش توی فرمول؟

مثلا در این جمله فاعل مجهول است ولی جمله مجهول نیست

دیشب پدرت رو به مهمونی دعوت کردم.

I invited your father to the party last night.

دیشب پدرت به مهمونی دعوت شد.

Your father was invited to the party last night.

ی نفر پیترو رو کشت.

Someone killed Peter.

پیترو کشته شد.

Peter was killed.

کلاس رو دیروز ضبط کردم.

I recorded class yesterday.

پولم رو دیروز پیدا کردم.

I found my money yesterday.

پولم دیروز پیدا شد.

My money was found yesterday.

کلاس ضبط شد.

همه زمانها مجهول دارند

در این جلسه مجهول زمان گذشته ساده رو یاد میگیریم

منتها با یادگیری همین یک مجهول، سایر مجهول ها هم یاد گرفته میشن اتوماتیک

اولین اسمی که در یک جمله انگلیسی میاد رو بهش بگیم پیام دهنده

گاهی پیام دهنده کاری انجام میده یعنی جمله معلوم

گاهی کاری روی پیام دهنده انجام میشه یعنی جمله مجهول

payam dahandeh + was/were + p.p

همه اینا رو بریز دور

:بهترین نکته اینه

محرک پسو مشتقات "شد" است

در قفل شد(مجهول چون "شد" دارد)

پدرت در رو قفل کرد(معلوم چون "شد" ندارد)

اگر پسو منفی داشتیم محرک مشتقات "نشد" است

The class was recorded.

در قفل شد.

The door was locked.

پدرت درب رو قفل کرد.

Your father locked the door.

شوهرم رو دیشب گم کردم.

I lost my husband last night.

شوهرم دیشب بین دخترا گم شد.

بین دو چیز between
بین چند چیز among

My husband was lost among the girls last night.

خدا رو شکر، برادرم این پروژه رو تموم کرد.

Thank God, my brother finished this project.

همکارم ازم خواست اینجا بمونم.

My colleague asked me to stay here.

ازم درخواست شد اینجا بمونم.

I was asked to stay here.

تو دیشب به برادرم زنگ زدی.

You called my brother last night.

دیشب به برادرم زنگ زده شد.

My brother was called last night.

دیشب بهت زنگ زده شد.

You were called last night.

کلاس ضبط نشد.

پسیو منفی

The class wasn't recorded.

دیشب کلاس رو ضبط نکردم.

I didn't record the class last night.

در قفل نشد، چیکار کنیم؟

The door wasn't locked, what shall we do?

پدرت در رو قفل نکرد.

Your father didn't lock the door.

مادرم دعوتم نکرد.

My mother didn't invite me.

پدرت دعوت نشد.

Your father wasn't invited.

ریکوردم رو دیروز پیدا نکردم.

I didn't find my recorder yesterday.

متأسفانه، ریکوردرت پیدا نشد.

Unfortunately, your recorder wasn't found.

یه سری از مردم نجات داده شدند.

Some people were rescued.

پدرم نجاتش داد.

My father rescued him.

پدرم نجات داده نشد.

My father wasn't rescued.

هیچکس نجاتم نداد.

Nobody rescued me.

nobody جمله اول چون
not داره خودش منفیه و نیاز به

هیچکس نجاتم نداد.

Anybody didn't rescue me.

هیچکس نجات داده نشد.

Nobody was rescued.

هیچکس نجات داده نشد.

Anybody wasn't rescued.

پسیو سوالی

درب قفل شد؟

Was the door locked?

دیشب درب رو قفل کردی؟

Did you lock the door last night?

دیروز مادرت تو رو پیدا کرد؟

Did your mother find you yesterday?

مامانت پیدا شد؟

Was your mother found?

مامانت کجا پیدا شد؟

Where was your mother found?

پدرت چرا دعوت کرد؟

Why did your father invite me?

برای چی پدرت دعوت شد؟

Why was your father invited?

دیشب کی بهم زنگ زدی؟

When did you call me last night?

کی بهت زنگ زده شد؟

When were you called?

برادرت تو جنگل گم شد؟

Was your brother lost in jungle?

برادرت رو توی جنگل گم کردی؟

Did you lose your brother in jungle?

کی دیشب دعوت کرد؟

Who invited you last night?

کی رو دیشب دعوت کردی؟

Who did you invite last night?

کی دیشب دعوت شد؟

Who was invited last night?

کی بهت حمله کرد؟

Who attacked you?

به کی حمله کردی؟

Who did you **attack**?

به کی حمله شد؟

Who was attacked?

این واحد هفته قبل درس داده شد.

This unit was **taught** last week.

هفته پیش این واحد رو درس دادم.

I taught this unit last week.

Vocabulary

غیرت

Predigest

نجات پیدا کردن

Save/rescue

زنده ماندن

Survive

درس دادن

Teach/ taught/taught

فکر کردن

taught/t	t/
thought/	t/

Think/thought/thought

دیدن

See/saw/seen

خوردن

Eat/ate/eaten

دعوت کردن

Invite/invited/invited

پیدا کردن

Find/found/found

Context

شب گذشته ساعت 9:18 مدیر مدرسه داشت از اداره بسمت ماشینش می رفت ناگهان از پشت بهش حمله شد.

Last night at 9:18, the director of school was walking from the office to his car when he was attacked from behind.

شب گذشته ساعت 9:18 مدیر مدرسه داشت از اداره بسمت ماشینش می رفت ناگهان ی نفر از پشت بهش حمله کرد.

Last night at 9:18, the director of school was walking from the office to his car when suddenly someone attacked him from behind.

کی بهش حمله شد؟

Who was attacked?

کی به مدیر حمله کرد؟ حرف اضافه ندارد attack

Who attacked the director?

اون مرد به کی حمله کرد؟

Who did that man attack?

مدیر کجا بهش حمله شد؟

Where was the director attacked?

اون مرد کجا به مدیر حمله کرد؟

Where did that man attack the director?

کی به مدیر حمله شد؟

When was the director attacked?

کی اون مرد به مدیر حمله کرد؟

When did that man attack the director?

چطوری به مدیر حمله شد؟

How was the director attacked?

اون مرد چطور به مدیر حمله کرد؟

How did that man attack the director?

حمله کننده زد توی سر مدیر.

The attacker hit the director on the head.

پیتر زد توی سر جنت.

Peter hit Janet on the head.

یه نفر زد توی کمر مامانم.

Someone hit my mother on the back.

چرا دیشب زدی رو سرم؟

Why did you hit me on the head last night?

کی زد رو سر مدیر؟

Who hit the director on the head?

اون مرد زد رو سر کی؟

Who did that man hit on the head?

کی رو سرش زده شد؟

Who was hit on the head?

پلیسها فکر می کنند حمله کننده دانش آموز بوده و شاید هم دانش آموز دختر.

The police think the attacker was student maybe a girl student.

پلیسها فکر کردند.

The police thought.

پلیسها دارند فکر می کنند.

The police are thinking.

پلیسها فکر می کنند.

The police think.

پلیسها چی فکر می کنند؟

What **do** the police think?

پلیسها دارند چی فکر می کنند؟

What **are** the police thinking about?

what are you thinking about?
in that famous joke

پلیسها چی فکر کردند؟

What did the police think?

پلیسها داشتند چی فکر می کردند؟

What were the police thinking?

پلیسها چی فکر می کنه؟

What do the police think?

چرا پلیسها فکر می کنند حمله کننده دانش آموز بود؟

Why do the police think the attacker was a student?

مامانم فکر می کنه تنبلم.

My mother thinks I am lazy.

چرا مامانت فکر می کنه من تنبلم؟

Why does your mother think I am lazy?

رئیس **میکنه** فکر من مقصرم، می خواد من رو اخراج **کنه**

My boss thinks I am guilty, he is gonna fire me.

چرا ریست فکر می کنه مقصرم؟

Why does your boss think I am guilty?

می خوام با من ازدواج کنی؟

Would you like get marry me?

پلیسها می خواند با تک تک دانش آموزان مصاحبه کنند.

marry, interview, call, attack

اینا یه سری افعال که توی فارسی حرف اضافه دارند ولی توی انگلیسی ندارند

The police are gonna **interview** **every** student.

اونا میخواند چیکار کنند؟

What are they gonna do?

تا اونجاییکه می دونم، اونا می خواند بازداشتش کنند.

As far as I know, they are gonna arrest him.

اونا می خواهند تبعیدش کنند.

They are gonna banish/exile him.

یه پلیس از مدیر توی بیمارستان دیشب مصاحبه کرد.

A police man interviewed the director at the hospital last night.

کی از مدیر مصاحبه کرد؟

Who interviewed the director?

پلیس از کی مصاحبه کرد؟

Who did the policeman interview?

کی مصاحبه شد؟

Who was interviewed?

از مدیر کجا مصاحبه شد؟

Where was the director interviewed?

پلیسها کجا از مدیر مصاحبه کردند؟

Where did the policeman interview the director?

کی از مدیر مصاحبه شد؟

When was the director interviewed?

کی پلیسها از مدیر مصاحبه کردند؟

When did the policeman interview the director?

ینفر از شرکت بیمه اومد و ازم مصاحبه کرد.

Someone came here from the insurance company and interviewed me.

با کسی مصاحبه کردی؟

Did you interview anyone?

دیروز توی اداره مصاحبه شدی؟

Were you interviewed in the office yesterday?

دیروز با کسی مصاحبه کردی؟

Did you interview anyone yesterday?

در این زمینه مصاحبه نشدم.

I wasn't interviewed in this respect.

Vocabulary

مسلط

Profession

کارگردان/مدیر

Director

مدیر مدرسه

Director of school

مصاحبه کردن

Interview

تبعید کردن

Banish/exile

اخراج کردن

Fire

حمله

Attack

اتفاق

Happening

واقعه

Event

فاجعه

Disaster

فاجعه

Catastrophe

گذاشتن

Put

پرت کردن

Throw

انداختن/ اشک

Drop

جسد

Corps

قبر

Grave

Conversation text

This story is about director of school, he was walking from the office to car last night, when suddenly he was attacked. Now he is bed ridden in the hospital and the police are asking him about the happening.

.

Last time at 9:18, the director of school was walking from his office to his car when he was attacked from behind. The attacker hit the director on the head. The police think the attacker was student, maybe a girl student. The police are gonna interview every student. A police man interviewed the director at the hospital last night.

.

A: Well Mr. Snow, what can you remember about the attack?

B: I was working late yesterday.

A: What time did you leave your office?

B: About a quarter past 9.

A: Are you sure?

B: Oh, yes. I looked at my watch.

A: What did you do then?

B: I locked the door. Then I was walking to my car when suddenly somebody hit me on the head.

A: Did you see the attacker?

B: No, he was wearing stocking over his head.

A: Now tell me Mr. Snow. How did you break your leg?

B: When they were putting me into the ambulance, they dropped me.

Context

خب آقای اسنو، در مورد حمله چی می تونی بیاد بیاری؟

Well Mr. Snow, what can you remember about the attack?

درباره حمله چی یادت می آد؟

What do you remember about the attack?

درباره این اتفاق چی یادت می آد؟

What do you remember about this happening?

درباره این فاجعه چی یادت می آد؟

What do you remember about this disaster?

درباره واقعه چی یادت می آد؟

What do you remember about the event?

در مورد فاجعه چی یادت می آد؟

What do you remember about the catastrophe?

در مورد من چی یادت می آد؟

What do you remember about me?

چیزی در مورد من یادت می آد؟

Do you remember anything about me?

تا دیر وقت دیروز داشتم کار می کردم.

I was working late yesterday.

دیروز تا دیر وقت کار کردم.

I worked late yesterday.

شوهرم دیشب تا دیر وقت داشت اضافه کاری می کرد.

My husband was working overtime late last night.

دیشب تا ساعت 10 داشتم با کامپیوتر کار می کردم.

I was working with the computer until 10 o'clock last night.

داداشم شب گذشته تا ساعت 2 داشت تلویزیون می دید.

My brother was watching T.V until 2 o'clock last night.

تا ساعت 4 داشتم بهت فکر می کردم.

I was thinking about you until 4 o'clock.

همسایم دیشب تا ساعت دو داشت با خانمش دعوا می کرد.

جنگیدن fight

شما با خانمت هیچکدی دعوا میکنی

My neighbor was quarreling with his wife until 2 o'clock.

شوهرم تا دیروز صبح داشت می زد.

My husband was hitting me until morning yesterday.

تا چه ساعتی داشتی کار می کردی؟

Until what time were you working?

تا چه ساعتی داشتی تلویزیون می دیدی؟

Until what time were you watching T.V?

تا چه ساعتی شب گذشت تلویزیون دیدی؟

Until what time did you watch T.V last night?

چه ساعتی اداره ات رو ترک کردی؟

What time did you leave your office?

چرا اداره رو دیر ترک کردی؟

Why did you leave the office so late?

من اداره رو بعد از تو ترک کردم.

I left the office after you.

اداره رو حدود 9:15 ترک کردم.

I left the office about a quarter past 9.

در مورد ساعت مطمئنی؟

Are you sure about the time?

به ساعت نگاه کردم.

I looked **at** my watch.

داشتم به ساعت نگاه می کردم.

I was looking at my watch.

آیا در لحظه به ساعت نگاه کردی؟

Did you look at your watch **at the moment?**

بعدش چیکار کردی؟

What did you do **then?**

بعد از جلسه

After the meeting

بعد(نیاز به اسم بعدی نداره) then
بعد از فلان after the folan

درب رو قفل کردم. داشتم بسمت ماشینم می رفتم که یهویی ینفر زد توی سرم.

I locked the door. I was **walking to** my car when suddenly someone hit me on the head.

حمله کننده رو دیدی؟

Did you see the attacker?

did you تلفظ سریع

حمله کننده دیده شد؟

Was the attacker seen?

کسی این دور و برا دیده شد؟

Was anybody seen **around there?**

متأسفانه کسی دیده نشد.

Unfortunately, anybody wasn't seen, **or nobody was seen**

هیچکسی رو ندیدم.

I didn't see anybody.

هیچکسی دیده نشد بدلیل اینکه تاریک بود.

Anybody wasn't seen because **it was** dark.

همون نکته ای که برای افعال ایستایی در حال
استمراری داشتیم رو در گذشته استمراری نیز داریم

دم درب ایستاده بودم.

I was standing at the door.

کروات توی مهمونی زده بودم.

I was wearing tie at the party.

نه، جوراب زنانه رو صورتش کشیده بود.

No, he was wearing **stocking over his head** **wear** از جمله افعال ایستایی است

چی رو سرش کشیده بود؟

What was he wearing over his head?

چرا ماسک رو صورتت کشیده بودی؟

Why were you wearing a **mask**?

مدیر مدرسه نمیدونه که حمله کننده مرد بوده یا زن پس چرا میگه
he?
چون زمانیکه از جنسیت خبر نداشته باشی باید از ضمیر مرد بری
شاید به دلایل مردسالاری که قدیم حاکم بوده

پات چطور ی شکست؟

How did you break your leg?

پام شکست.

I broke my leg.

پای مامانم شکست.

My mother broke her leg.

بازوم شکست.

I broke my arm.

مچ پام کشیده شد.

I **sprained** my **ankle**.

گردن مادرم کشیده شد.

My mother sprained her neck.

چطور پات شکست؟

How did you break your leg?

چطور پات رگ به رگ شد؟

how did you break your leg?

معنی نزدیک: تو چطور پای خودت رو شکوندی؟ (این معنی نمیده چون
هیچ ادمی خودش پای خودشو نمیشکونه)!
معنی اصلی: پات چطوری شکست؟

برای شکستگی اعضای بدن و پیچ خوردن مفاصل اینا باید جمله مجهول
باشن

مثلا پام شکسته شد یا پام پیچ خورد

اما برای این دو به جای ساختار مجهول از ساختار معلوم اینگونه استفاده

میکنیم که گویا طرف خودش پاشو شکونده

پس از ساختار مجهول برای این دو استفاده نمیکنیم

How did you sprain your leg?

وقتی داشتند من رو توی آمبولانس می داشتند، من رو انداختند.

When they were putting me **into the** ambulance, they **dropped** me.

وقتی من رو گذاشتند توی آمبولانس، من رو انداختند.

When they put me into the ambulance, they dropped me.

وقتی داشتم جسد رو توی قبر می داشتم من تابوت رو انداختم.

When I was putting the **corpse in the grave**, I dropped the **coffin**.

Proverb

قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود.

Drop by drop fills the tub.

تمرین

از دل این مکالمه چند سوال دربیارید و پاسخ بدید
این کار باعث افزایش مهارت جمله سازی میشه